



Asheghaneh Publication

29th Year • No. 337 • May 2013

سال بیست و نهم • شماره ۳۳۷ • اردیبهشت ۱۳۹۲



گفتگو با ابوالعلاء سودآور، به مناسبت

حضور با شکوه کتیبه کورش بزرگ در هوستون

گفتگو با ابوالعلاء سودآور پژوهشگر تاریخ و هنر پژوه دظور باشکوه کتیبه کوروش در موزه ها

ابوالعلاء سودآور، پژوهشگر تاریخ و هنر پژوه و نوه حاج حسین آقا ملک، بانی کتابخانه و موزه ملی ملک است. وی دارای تألیفات متعددی اعم از کتاب و مقاله به زبان های فارسی و انگلیسی است که از جمله کتاب های او می توان به کتاب:

Decoding Old Masters: Patrons, Princes and Enigmatic Paintings of the 15th Century

اشاره کرد که به زبان انگلیسی است و دو کتاب «هنر دربارهای ایران» (Art of the Persian Courts) و «فره ایزدی: در آیین پادشاهی ایران باستان» (The Aura of Kings: Legitimacy and Divine Sanction in Iranian Kingship) که به فارسی ترجمه شده اند.

به مناسبت نمایش منشور کوروش بزرگ و دیگر آثار زیبا و نفیس از دوره هخامنشیان در موزه هنرهای زیبا هیوستون، گفت و گویی با آقای ابوالعلاء سودآور انجام داده ایم. ایشان از جمله کسانی هستند که در برگزاری نمایشگاه کمک کرده اند و بسیار مثمر ثمر بوده اند.

احمد آدم: جناب سودآور، اهمیت معنایی استوانه کوروش در چیست؟

ابوالعلاء سودآور: اهمیت این استوانه کوچک، که پس از فتح بابل به دستور کوروش بزرگ نگاشته شده و در خارج از ایران در بابل پیدا شده، در این است که به عنوان یک سند معتبر، ابتدا از زبان خدای بابل، مردوک، صحبت می کند که چگونه اوضاع آنجا اشفته بود و مردوک از میان تمام مردمان، کوروش را انتخاب می کند که برود و بابل را نجات بدهد، بنابراین او می شود ناجی بابل. در بخش دوم از زبان کوروش گفته می شود که: من به کمک مردوک و به پشتیبانی او، بابل را فتح کردم و معابدی را که خراب شده بود بازسازی کردم و مجسمه هایی را که از آنجا بیرون برده بودند دوباره بدانجا برگرداندم و مردم را آزادی بخشیدم که آنها به معتقدات خودشان بپردازند و به هر کجا، و به هر معبدی که می خواهند، بروند.

— چه چیزی موجب شد که از استوانه کوروش به عنوان کهن ترین فرمان حقوق بشر یاد بشود؟

ابوالعلاء سودآور: البته وقتی از آن به عنوان یک فرمانی یاد می شود که نمودار حقوق بشر است، به تعبیر امروزی است. در آن زمان، فرد مطرح نبود، بلکه جوامع مطرح بود. این فرمان به جوامع، به مردمی که در آن جوامع زندگی می کردند، اجازه می داد که علیرغم فاتح بودن فرمان دهنده، مانند سابق به مذهب خودشان پایبند باشند و معتقدات خودشان را عزیز بدانند، و به آنها مذهب و ایمان خودش را تحمیل نمی کند.

— تور نمایش استوانه کوروش چگونه آغاز شد؟ در واقع ایده آن از کجا آمد و باعث و بانی نمایش آن در آمریکا چه کسانی بودند؟

ابوالعلاء سودآور: باید قدری به عقب برگردیم. ایده به نمایش گذاشتن استوانه در حقیقت به سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بر می گردد.



با ایران فرق دارد. اگر در نمایشگاه فقط استوانه به نمایش گذاشته شود، کسی فکر نمی کند که موضوع با اهمیتی است، بنابراین باید آثار دیگری به آن اضافه می کردیم. موزه بریتانیا گنجینه ای به نام گنجینه آمودریا (Oxus treasure) دارد که شامل تعداد زیادی ظروف طلا و نقره و زیور الات مختلف است و از جمله یک دستبندی که واقعاً یکی از زیباترین اشیای هنری قدیم به شمار می رود. ما تأکید کردیم که آثاری از این گنجینه هم باید با استوانه بیاید. موزه سرانجام قبول کرد که بیست قطعه جنس به همراه آن بفرستد ولی در خلال این مدت، رئیس موزه بریتانیا به هند رفت و در مومبی (بمبئی سابق)، پارسیان هند، که زرتشتی هستند، از او خواستند که این استوانه را برای جشن نوروز ۲۰۱۴ به آنجا بفرستند. او هم قبول کرد. این توافق برای ما یک گرفتاری بزرگ ایجاد کرد، و آن، این بود که فقط به ما ۹ ماه وقت می داد که در ۵ شهر مختلف نمایشگاه را برقرار سازیم. این مشکل خیلی بزرگی بود زیرا ما می بایستی شهر به شهر می رفتیم و موزه ها را می دیدیم؛ موزه هایی که فقط یک ویترین برای این کار اختصاص داده بودند حالا باید یک اتاق برای آن می داشتند. معمولاً برای انجام چنین کارهایی، موزه ها از پنج سال قبل برنامه ریزی می کنند، و حالا، ما می گفتیم که برای سال آینده این کار را از شما می خواهیم. به هر حال در این راه مشکلاتی بود که مجبور شدیم آنها را یکی یکی حل کنیم. واشینگتن اولین شهری بود که در موزه آن نمایشگاه برقرار می شد و برای ما خیلی مهم بود که این کار در آنجا درست انجام شود. چون اگر در واشینگتن درست انجام می شد و سر و صدا می کرد، نتیجه آن در شهرهای دیگر نیز منعکس می شد. باید بگویم که این نمایشگاه در

موزه بریتانیا از دولت خاتمی درخواست کرد که تعدادی از اشیاء موزه ایران باستان را به آنها قرض بدهد. دولت ایران هم پذیرفت ولی متقابلاً از موزه خواست که که استوانه کوروش را در موقع مقتضی به ایران بفرستد. قرار شد که نمایشگاه هخامنشی در سال ۲۰۰۵ در لندن برگزار بشود و بنیاد میراث فرهنگی ایران، که به اختصار IHF گفته می شود، پشتیبان این کار شد. در خلال این مدت دولت خاتمی بر کنار شد و دولت احمدی نژاد روی کار آمد، و معلوم نبود که اشیاء درخواستی به موقع به لندن ارسال می شوند یا نه. به حمدالله چند روز قبل از افتتاح نمایشگاه، اشیاء به لندن رسید و نمایشگاه به خوبی برقرار شد. به همین دلیل، چند سال بعد، دولت ایران خواستار ارائه استوانه کوروش به مردم ایران شد و موزه بریتانیا هم ناچار بود به قول خود وفا کند. در تهران استقبال مردم خیلی خوب بود. تعداد کسانی که از نمایشگاه دیدن کردند، بالغ بر یک میلیون نفر بود. ابتدا قرار بود مدت نمایشگاه سه ماه باشد که سه ماه دیگر تمدید شد و روی هم رفته، استوانه، شش ماه در ایران ماند.

آقای نیل مک گرگور که رئیس موزه بریتانیاست، وقتی که استقبال مردم را دید، به این صرافت افتاد که از این موضوع بهره برداری بیشتری بکند؛ بخصوص که حالا روابط خاصی با IHF برقرار کرده بودند و از طرفی می دید که در آمریکا تعداد ایرانیان مقیمی که به این موضوع علاقه مند باشند، زیاد است. بنابراین، به IHF پیشنهاد داد که اگر موافق باشند، آنها حاضرند استوانه را در ۴ یا ۵ شهر آمریکا به نمایش بگذارند. موزه بریتانیا هزینه ای را هم برای این کار تأیید کرد و IHF نیز متقبل شد که این هزینه را بپردازد. وقتی موضوع آوردن استوانه به آمریکا مطرح شد، ما دیدیم که اینجاشرايط





هاست و باید حتماً این را بخوانی و به زبان یونانی هم بخوانی. « این اهمیت، اهمیتی که برای کوروش و داستان زندگی او و نمونه فرمانروایی او در آمریکا قائل بودند، موضوعی است که ایران و آمریکا را به هم نزدیک می کند، گذشته را به امروز پیوند می دهد و از این نظر، این نمایشگاه، نمایشگاه خیلی خاصی است.

– استقبال مردم از نمایش منشور در موزه اسمیتسونین چگونه بود؟

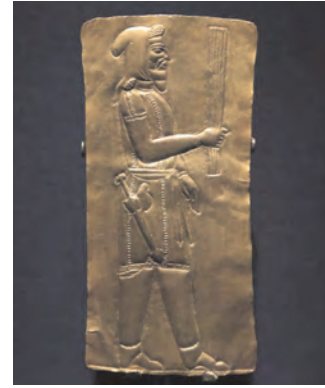
ابوالعلاء سودآور: ما دو شاخص داریم، یکی اینکه، موزه ها برآوردی می کنند از تعداد خواننده هایی که ممکنه این خبر به چشم شان یا به گوش شان رسیده باشد، که به آن می گویند: mass media impression، یعنی اینکه اگر این خبر مثلاً در نشریه عاشقانه چاپ شد و عاشقانه مثلاً ۵۰۰۰ تا تیراژ دارد، قبل از اینکه کسی آن را خوانده باشد یا نخوانده باشد، می گویند این خبر یک استعداد ۵۰۰۰ نفری داشته، یعنی امکان اینکه ۵۰۰۰ نفر این را ببینند، داشته است. در هفته اول نمایش در واشینگتن، رقمی به ما دادند که به قول معروف دود از سر همه بلند شد؛ رقمی در حدود ۸۰۰ میلیون نفر، یعنی جمیع رسانه هایی که به این موضوع توجه داشتند، اعم از تلویزیون و مطبوعات. و این رقم خیلی بالایی است. رقم عمده اش مربوط به مصاحبه ای می شود که خانم امانپور با آقای نیل مک گرگور (Neil Macgergor) رئیس موزه بریتانیا در واشینگتن انجام داد، و

CNN هم که چندین میلیون - ۲۰-۲۵ میلیون - بیننده دارد!

شاخص دوم این است که موزه سکلر واشینگتن، در بعضی مواقع، از بس که ازدحام جمعیت زیاد بود، مجبور شد در ورودی را ببندد چون مطابق مقررات، بیشتر از تعدادی مشخص نمی توانستند به درون موزه بیایند. یک شاخص کیفی هم داریم. شاخص کیفی هم این بود که به ما گزارش دادند مردمی که به آنجا می آمدند، با علاقه عجیبی خم می شدند و با دقت تمام نوشته ها را می خواندند و لحظات زیادی را صرف دیدن اشیاء می کردند. دیدار آنها سرسری نبود.

– قرار است که این منشور در چه شهرهایی به نمایش گذاشته شود؟

ابوالعلاء سودآور: در پنج شهر؛ اول واشینگتن در موزه اسمیتسونین، گالری سکلر؛ هیوستون در موزه هنرهای زیبای هیوستون؛ نیویورک در



واشینگتن خیلی خوب برگزار شد.

– نمایش این منشور در آمریکا حامل چه پیامیست؟

ابوالعلاء سودآور: اکثر مردم در آمریکا اصلاً نمی دانند ایران کجاست، فارس و پرشیا چیست، کوروش، داریوش کی بوده، این اسامی برای آنها ناشناسند. اطلاعات عمومی آن قدر کم است که به آنها نمی توانند بپردازند. اما این استوانه کوروش و اسم کوروش چند خاصیت دارد. خاصیت اول این است که کوروش کسی بوده که وقتی بابل را فتح می کند، یهودی ها را آزاد می کند، بنابراین، در مذهب یهود، شخص مهمی است. کما اینکه در ایران، خیلی از یهودی هایی که به نمایشگاه می آمدند در برابر این استوانه سجده می کردند. دوم اینکه چون کوروش ناجی و آزاد کننده یهودی ها بوده، در تورات و انجیل قدیم نام او ثبت شده است، به عنوان یک آدم قدسی صفت و تقریباً یک پیامبر. مسیحیان هم از طریق متون مذهبی با شخصیت کوروش آشنایی دارند. اما از همه مهمتر این است که در ایران نام کوروش و تاریخش از بین رفته، خود ایرانی ها، در حقیقت، من فکر می کنم که موبدان زرتشتی، او را از تاریخ ایران پاکسازی کرده اند. اسم کوروش مطلقاً نه در شاهنامه است نه در هیچ کدام از تاریخ های خود ایران. داستان کوروش به طور غیر مستقیم به ما رسیده است. یکی از طریق یهودی ها که دوستدار کوروش و ایران بودند، یکی از طریق یونانی ها که دشمن ما بودند ولی علیرغم دشمن بودن، درباره کوروش خوب نوشتند و او را به عنوان یک فرمانروای عادل و درست و نمونه فرمانروایی معرفی کردند و این نوع معرفی را بخصوص گزنفون تاریخ نویس یونانی از او داشته است. متن داستان زندگی کوروش یکی از متونی می شود که از دوران یونان باستان به دوران بعدی که فلاسفه هستند و بعد به قرون وسطی اروپا می رسد و مراد متعالی بوده و از همین طریق به دست شخصیت های اصلی آمریکایی که نویسنده قانون اساسی این کشور هستند، یعنی توماس جفرسون و بنجامین فرانکلین می رسد. آنها علاقه وافری به مطالعه این متن داشتند تا آنجایی که هر کدام یک یا دو نسخه از آن را در نزد خود داشتند. در واشینگتن نسخه اصلی خود جفرسون موجود است که با دست خودش اصلاحاتی روی آن کرده و بعد در نامه ای به نوه اش توصیه کرده که «تو از برای تربیت خودت، از برای آموزش خودت، بدون که این از مهمترین متون

که خداوند آنهاست آمده. یعنی هر کسی از دیدگاه خودش و خدایی که برایشان مهم بوده، می گوید به کوروش کمک کرده است.

– شما در برپایی نمایشگاه چه نقشی داشته اید؟

ابوالعلاء سودآور: کلا یک کار گروهی بوده است، و من هم جزو کسانی بودم که کمک کردم، خیلی های دیگر هم بودند که کمک کردند.

– آقای سودآور، شما خودتان کلکسیونر و هنرپژوه هستید، چه برنامه ای برای آینده دارید؟

ابوالعلاء سودآور: در حال حاضر مشغول یک سری مطالعات هستیم، چند تا برنامه کوچکتر در موزه اینجا داریم که می خواهیم فصل به فصل یک تعداد از مینیاتورهای ایرانی را نشان بدهیم، یکی دو برنامه هم در رابطه با اشیای لاکه با موزه های سکلر در واشینگتن و موزه هاروارد داریم.

– چگونه جامعه ایرانی می تواند در انجام چنین برنامه هایی به شما و دیگر کوشندگان کمک کند؟

ابوالعلاء سودآور: بزرگترین کاری که می تواند انجام دهند، این است که، فرزندانشان را به این نمایشگاه ها بیاورند و کاری نکنند که آنها به گذشته شان، به تاریخ سنتی ایران، علاقه مند بشوند. بدانند از کجا آمدند و به قدری افتخار کنند که در برابر دوستان شان با سر بلندی بگویند که ما ایرانی هستیم و آنها را دعوت نکنند که بیایند و این آثار گرانبها را ببینند و چیزی یاد بگیرند. چون اینها چیزی نیستند که ما بخواهیم خجالت بکشیم، برعکس موجب سر بلندی ماست. وقتی بگوییم که ما یهودی ها را آزاد کردیم، معبدشان را ساختم، و هم این که آقای جفرسن و غیره این متون را خواندند، اینها همه باعث افتخار ماست، جوان ها را باید بیاورند تا این کارها را یاد بگیرند.

– آقای سودآور، خیلی ممنون، خدا قوت، از اینکه شما در این باره تلاش می کنید، در راه نگه داشتن آثار باستانی و فرهنگی ایران، ما به شما افتخار می کنیم و سپاسگزاریم.

ابوالعلاء سودآور: ما نیز به شما افتخار می کنیم و سپاسگزار هستیم که ۲۹ سال زحمت کشیده اید. شما هم مثل ما زحمت کشیده اید و این فرهنگ را زنده نگه داشته اید.

موزه متروپولیتن؛ سائفرانسیسکو در موزه هنرهای آسیایی و آخرین نمایش در موزه گتی در لس آنجلس خواهد بود که به هر حال جمعیت ایرانی آنجا از دیگر جاها بیشتر است.

– آقای سودآور، عده ای، نمایش منشور در آمریکا را اقدامی سیاسی و تبلیغاتی می دانند، نظر تان در این مورد چیست؟

ابوالعلاء سودآور: هر کسی می خواهد هر فکری بکند، بکند. مهم این است که بانی این کار، موزه بریتانیا بوده است و بنیاد میراث فرهنگی ایران (IHF) واسطه بوده تا این منشور به اینجا بیاید و منابع مالی لازم آن را هم تأمین کرده است. هم خود بنیاد هزینه کرده و هم ایرانیان مقیم آمریکا کمک کرده اند. یک دلار نه از دولت آمریکا، نه از دولت ایران و نه از دولت انگلیس گرفته شده، فقط رسم موزه ها اینست که برای تمام نمایشگاه های مهم، دولت آمریکا باید هزینه بیمه را متقبل بشود، که شامل حال این نمایشگاه هم شده است و ما خیلی هم سپاسگزار هستیم. سعی هم کردیم که تا آنجایی که به موزه ها مربوط می شود، این تلاش رنگ سیاسی پیدا نکند.

– عده ای هستند و حتی عده ای از پژوهندگان تاریخ، که منشور کوروش را نوعی بزرگ نمایی و تقلیدی از شاهان پیشین بابل می دانند. مثل منشور معروف حمورابی که ۱۳۰۰ سال قدیمتر از منشور کوروش است و حاوی ۳۰۰ ماده قانونی. نظر تان چیست؟

ابوالعلاء سودآور: کاملاً درست است، از این لحاظ که سنت دبیری سنتی بود که از قدیم در آن سرزمین ها وجود داشت؛ از آشور تا بعد بابل و غیره. و قبل از فارس ها، ایلامی ها از آن سنت ها پیروی می کردند. درسته که کل نوشته به بابل، و مطابق آداب و رسوم بابل است، ولی کوروش است که دستور ثبت این نوشته را می دهد و بنابراین بعد از تعریف از خدایان عنوان می کند: منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان و

– حمورابی هم چنین پیام هایی داشته است.

ابوالعلاء سودآور: بله داشته، ولی در هر جایی پیام مطابق با فرهنگ محلی آنجا تنظیم می شده، در اینجا کوروش می گوید که من به خواست و کمک خدای مردوک، چون مردوک خدای مردم آنجا بوده، بابل را فتح کردم. در تورات که یهودی ها می نویسند، می گویند او به کمک الیاهو

